

درباره ساخته مانی مقدم با بازی رضا عطاران و مریلا زارعی

مردی که در «خواب» آهو می‌دید

صبا کریمی | مانی مقدم در نخستین فیلم بلند خود با فیلم‌نامه‌ای از پژمان تیمورتاش به سراغ دنیای پیچیده ذهن و روان ناخودآگاه رفته است؛ او با ساخت «خواب» توانسته پلی میان سینما و دنیای روان‌شناختی بزند و نسبت میان خودآگاه و ناخودآگاه را در قالب درامی رازآلود به تصویر بکشد.

به جز رضا عطاران که نقش اصلی خواب را دارد، مریلا زارعی، هدی زین‌العابدین، کاظم سیاحی و علی مصفا هم در آن بازی می‌کنند. «خواب» داستانی چندلایه است که در میان خواب و بیداری شکل می‌گیرد؛ جایی که واقعیت‌های ذهن و فریادهای روح خسته انسان، بازتابی از ترس‌های پنهان و کمبودهایی هستند که در بیداری مجال بروز ندارند و ناگزیر در قالب خواب و رؤیا خود را نمایان می‌کنند.

مقدم در «خواب» هوشمندانه به مشکلات پیدا و پنهان روابط زناشویی می‌پردازد. جرقه اصلی روایت از دل زندگی زوجی زده می‌شود که در ظاهر، رابطه‌ای موجه دارند اما پشت درهای بسته خانه، زندگی‌شان یک شکست تمام‌عیار است؛ اجتنبی الوندی، کارمند اداره پایگانی است که در روزمرگی کسالت‌بار زندگی فرسوده شده. رابطه او با همسرش پروانه هم تعریفی ندارد؛ رابطه‌ای که زیر فشار کنترل و شکایت‌های مداوم در آستانه فروپاشی است. پروانه از همان ابتدای زنی تصویر می‌شود که همه چیز را زیر نظر دارد. دیابت مجتبی، بهانه‌ای برای کنترل دائمی است و پروانه با او همچون کودکی ناتوان رفتار می‌کند. این مناسبات نابرابر از همان سکاسن‌های ابتدایی، وخامت رابطه را عیان می‌کند. مقدم در لایه‌لای خطوط داستان طعنه‌ای هم به جامعه مذهبی می‌زند؛ پناه مجتبی، اتاقی است که با شانه‌های تخم‌مرغ آکوستیک شده؛ جایی که در تنهایی روضه گوش می‌دهد و مداحی می‌کند و حتی در طول روز نیز با هدفونی در گوش، از دنیای اطرافش فاصله می‌گیرد.



تا اینکه مرد در خواب‌هایی دنباله‌دار با زنی آشنا می‌شود که در تقابل با پروانه است؛ مهربان، عاشق و همراه. مجتبی آنچنان به زن رؤیاهایش خومی‌گیرد که بودن در کنار او را به زندگی در بیداری ترجیح می‌دهد. او نام «آهو» را برای این زن انتخاب می‌کند؛ اسمی که قرار بود برای دخترش باشد. «خواب» ملو از نماد و نشانه است؛ حتی نام شخصیت‌ها هم تصادفی انتخاب نشده‌اند. همسر مجتبی، زنی مذهبی که همچون پروانه‌ای مدام گرد مرد می‌چرخد، اما با ایفای نقش مادرا نه، ناخواسته به او آسیب می‌زند؛ در مقابل، آهو انعکاس آرزوها و امیال سرکوب شده مجتبی است؛ از نامی که نماد رؤیای بر باد رفته پدر شدن است تا خود آهو که تجسمی از زیبایی و دست نیافتنی بودن و پناهگاهی برای فرار از ناکامی‌های زندگی واقعی است. پروانه و آهو نه دو زن، بلکه دو سوی یک بحران روحی و بازتابی از زندگی مجتبی هستند؛ یکی همزیستی با رنج در جهان واقعی و دیگری مأمنی امن و ساخته ذهن ناخودآگاه که انعکاسی از کمبودها و سرکوب غرایز است.

مقدم به خوبی مرز میان رؤیا و واقعیت را ابتدا تفکیک و سپس در هم ادغام می‌کند. رؤیاهای مجتبی گرم، روشن و اطمینان‌بخش‌اند، اما خانه، محل کار و حتی رنگ لباس‌های او در بیداری، جهانی سرد و بی‌روح را بازنمایی می‌کنند. مجتبی برای راهی‌ای از این رؤیا که زندگی‌اش را در بیداری مختل کرده به روحانی مسجد رجوع می‌کند اما آنجا هم جدی گرفته نمی‌شود و به راه حل درستی نمی‌رسد. او هر روز بیش از پیش ارتباطش را با واقعیت از دست می‌دهد تا جایی که دیگر نمی‌تواند تشخیص دهد خواب است یا بیدار و فیلم به‌درستی این هزارتوی ذهن و روان ناخودآگاه را به تصویر می‌کشد.

«خواب» با فیلم‌نامه‌ای دقیق و کارگردانی حساب‌شده در کنار طراحی صحنه‌ای هدفمند و در خدمت داستان و با انتخاب رنگ و نورپردازی و فیلم‌برداری متناسب با اتمسفرفیلم، به مقصود خود نزدیک می‌شود. از دیگر امتیازات «خواب» بازی بازیگران‌اش است. مریلا زارعی و رضا عطاران که ۱۴ سال پیش در کمدی «خوابم میاد» با یکدیگر همبازی بودند، این بار هر دو آن‌ها در قالب نقشی جدی و شخصیت‌هایی آسیب‌دیده، یک زوج باورپذیر را خلق کردند. عطاران پیش‌تر هم توانسته بود با بازی در «دهلیز» و «روشن» استعداد خود را در نقش‌های جدی و چندلایه نشان دهد. او در نقش مجتبی هم با ظرافت و رخت و فرسودگی مردی بیمار و تنها را به تصویر می‌کشد و عصیان‌های مریلا زارعی نیز دقیق و کنترل شده است. هدی زین‌العابدین که حضوری پررنگ و موازی با دنیای بیداری مجتبی دارد نیز در نقش خود به خوبی ظاهر شده است.

در مجموع، «خواب» را می‌توان یکی از آثار تأمل‌برانگیز درباره تراژدی روابط شکست‌خورده و پناه بردن انسان به رؤیا دانست؛ فیلمی که نشان می‌دهد انسان گرفتار در مارپیچی از احساسات فروخورده و امیال سرکوب شده تا چه حد می‌تواند زندگی خود و دیگران را تحت تأثیر قرار دهد و گریز از واقعیت هر چند آرامش‌بخش باشد، اما سرانجام مرز میان خواب و بیداری از میان می‌رود و به کابوس بدل می‌شود.

فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با مجید رستگار، کارگردان فیلم «جهان مبهم هاتف»

مسیر رؤیاپردازی دو رفیق



داستان فیلم روایت عبور دو دانشجو از دست‌اندازه‌ای بزرگ برای رسیدن به هدف‌های بزرگ‌تر است؛ دو دوست که مسیر مشترکی را برای تحقق رؤیاهایشان آغاز می‌کنند

از زندگی آن‌ها را به تصویر کشیده‌ایم. وقتی مشغول پژوهش‌های اولیه شدیم، بخش‌هایی از زندگی این دو شخصیت را اقتباس کردیم و نیاز بود دراماتیزه شوند بنابراین تغییراتی در زندگی شخصی این افراد دادیم.

■ فیلم چقدر به دغدغه‌های روز جامعه می‌پردازد؟ مهم‌ترین مسئله‌ای که امروز جامعه با آن مواجه است، بی‌اعتمادی به جوانان است. جوانانی که همیشه چالش‌های زیادی برای رسیدن به آرزوهایشان دارند، از تورم گرفته تا رانت و لابی‌گری‌ها، به ویژه مانع‌تراشی ارگان‌هایی که قرار بوده تسهیلگر باشند. این فیلم، مشکلات و موانع پیش‌روی جوانان را به‌نمایش می‌گذارد و ساختارهای غلط را نقد می‌کند. این دغدغه جدی بسیاری از جوان‌هاست که جلوبیشان گرفته می‌شود و به جای اینکه کمک‌شان کنند، مانعشان می‌شوند اما دو شخصیت اصلی فیلم، موانع را از بین می‌برند و پیش می‌روند.

■ درباره دشواری‌ها و چالش‌های تولید در نخستین قدم کارگردانی ساخت یک اثر داستانی بفرمایید. همواره چالش‌هایی برای ساخت یک فیلم وجود دارد و برای فیلمسازان کار اولی، بیشتر است. یکی از چالش‌های اصلی فیلم تعدد لوکیشن بود و لوکیشن‌های مختلف نیروگاهی و صنایع، دانشگاه، گاراژ، خیابان، خانه و... داشتیم که هماهنگی آن‌ها



نیایش احمدی | فیلم سینمایی «مولا» به‌عنوان نخستین فیلم بلند جهان که به‌طور کامل با بهره‌گیری از هوش مصنوعی تولید شده، در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در بخش خارج از مسابقه به نمایش درآمد

و واکنش‌های متفاوتی را در میان‌اهالی سینما و رسانه‌ها برانگیخت. این اثر با رویکردی متفاوت به موضوعی تاریخی و اعتقادی، به‌بازخوانی موضوع امامت حضرت علی(ع) و واقعه مهم غدیر خم می‌پردازد. روایت در قالب گفت‌وگوی دو متفکر یکی از اهل سنت و یکی از شیعیان) شکل می‌گیرد و تلاش دارد دیدگاه‌های مختلف درباره این مفهوم اعتقادی را از زاویه‌ای تحلیلی و اندیشه‌محور نشان دهد. تجربه‌ای تازه در سینمای ایران و جهان محسوب می‌شود و مرزهای تولید آثار سینمایی را با تکیه بر فناوری‌های نوین جابه‌جا کرده است. در همین راستا، عباس لاجوردی، کارگردان فیلم «مولا» از

مسیر پرچالش شکل‌گیری این پروژه، دلایل ورود به حوزه هوش مصنوعی، تفاوت این تجربه با تولیدات رایج سینمایی و آینده حضور هوش مصنوعی در سینمای ایران و جهان سخن گفت که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید. کارگردان فیلم «مولا» با اشاره به روند شکل‌گیری این پروژه گفت: ما چند سال تلاش کردیم فیلم سینمایی مولا را به‌صورت رئال بسازیم، اما هزینه‌ها بسیار بالا بود. به هر جایی مراجعه کردیم، زیر بار نرفتند. حتی قرار بود اسپانسر خارجی داشته باشیم که آن هم به‌دلیل مشکلات خاص خودش منتفی شد. مجموع این اتفاق‌ها موجب شد به این نتیجه برسیم که وارد حوزه هوش مصنوعی شویم. پیش از این، به‌جای تیم ما روی هوش مصنوعی کار کرده بودند و حتی در نمایشگاه هوش مصنوعی دبی حضور داشتند. همین موضوع جرقه شروع این پروژه را زد. در آن مقطع احساس می‌کردم کشور ما فاصله زیادی با هوش مصنوعی دنیا دارد، اما با سرعت دادن به کار، اتفاق خوبی رقم خورد و امروز به جرت می‌گویم ما بهترین تیم دنیا در حوزه هوش مصنوعی هستیم. لاجوردی ادامه داد: وقتی دیدیم با هوش مصنوعی می‌توانیم تصاویری تولید کنیم که حتی از خروجی‌های هالیوود و بالیوود هم بهتر است چون خود آن‌ها هم تازه تست‌هایی را در این حوزه شروع کرده‌اند تصمیم گرفتیم همین مسیر را ادامه دهیم. از طرفی، هزینه‌ها با استفاده از هوش مصنوعی کاهش پیدا می‌کرد و سرعت عمل به‌مراتب بالاتر می‌فت. او با بیان اینکه تیم تولید این پروژه حدود ۱۰ نفر بوده است، گفت: ما اکنون نخستین فیلم بلند سینمایی هوش مصنوعی را ساخته‌ایم؛ موضوعی که با رصدهای روزانه‌ای که خودمان داریم و حتی با

این سخت‌ترین مرحله کار ما بود که زمان زیادی برد. رضا کیانیان و لیلیا زارع هم جزو گزینه‌های اولیه ما بودند که با آن‌ها صحبت کردیم. گفتند باید با کارگردان حرف بزنیم و توانمندی‌اش را بسنجیم. البته فیلم‌نامه را خوانده بودند و برایشان مهم بود که به عنوان یک کارگردان فیلم‌اولی با چه کسی طرف هستند. خوشبختانه دیدارهای خوبی با این دو بازیگر داشتیم و قبول کردند در پروژه باشند. خود من علاقه‌مند به همکاری با بازیگران جوان و تئاتری هستم و در کارهای قبلی‌ام در سریال‌سازی، تجربه خوبی از این همکاری دارم، از این‌رو برای ایفای نقش‌های دیگر از بازیگران مستعد تئاتری استفاده کردم که بازیگران فوق‌العاده‌ای هستند به طوری که ۸-۷ بازیگر تئاتری فیلم از میان ۴۰۰ نفر انتخاب شدند که از بازی آن‌ها بسیار راضی هستم. امیدوارم در این فیلم دیده شوند و آینده درخشانی داشته باشند.

■ از نظر خودتان وجه تمایز فیلمتان با آثار مشابه در همین ژانر و مضمون چیست؟

این کار شباهتی به کارهای دیگر ندارد چون بسیار متفاوت است، هم در نوع روایت و هم در قصه و سوز. به نظرم در آثار سینمایی سال‌های اخیر، نزدیک به این قصه را نداشتیم و مخاطب شاهد یک کار متفاوت خواهد بود به ویژه در فضای جوان‌گرایی. در این فیلم، چند جوان در کنار هم هستند که شوخی، ماجراجویی، فراز و فرود، دعوا، درگیری و... دارند. ضمن اینکه فیلم صحنه‌های اکشن و انفجار هم دارد که کار متفاوتی است.

■ همان‌طور که اشاره کردید فیلم «جهان مبهم هاتف» جزو آثار لو‌باجت است، از دشواری‌های تولید بگویید.

مهم‌تر از لو‌باجت بودن فیلم، حمایت ویژه سرمایه‌گذار یعنی سازمان سینمایی سوره بود. حمایت آن‌ها خیلی کمک کرد که بودجه کم، حس نشود و این مسئله به گروه تولید، دلگرمی داد. لوکیشن‌های کار هم زیاد و متفاوت بود؛ دو نیروگاه، دو دانشگاه، مدرسه، گاراژ، تعداد زیادی لوکیشن بیرونی و لوکیشن خانه. این تعدد لوکیشن با توجه به محدودیت زمان، کار را سخت می‌کرد چون باید در ۵۲ روز فیلم‌برداری را تمام می‌کردیم و فشار زیادی برای ضبط داشتیم. معمولاً برای ساخت فیلم سینمایی روزی یک دقیقه فیلم‌برداری می‌شود ولی ما مجبور بودیم روزی چهار تا پنج دقیقه ضبط کنیم و این کار ما را سخت‌تر می‌کرد، ولی هماهنگی و همدلی بچه‌ها سبب شد این فشار تولید را تاب بیاوریم. البته حدود دو هفته در پیش‌تولید، دورخوانی کامل فیلم‌نامه داشتیم که موجب شد بازیگران با آمادگی بالاتری روبه‌روی دوربین قرار بگیرند.

■ به نظر شما، توجه جشنواره فیلم فجر به کارگردان‌اولی‌ها چقدر در بروز استعدادهای نو مؤثر است؟

به نظرم آقای شاهسورای به عنوان دبیر این دوره از جشنواره فیلم فجر، کار بزرگی کردند و تعارفات را کنار گذاشتند تا فضا تغییر کند. از میان بیش از ۱۰۰ اثری که به این دوره از جشنواره رسید، حدود ۵۰ درصد آثار کارگران‌اولی‌ها بود که نشان می‌دهد قرار است خون تازه‌ای به بدنه سینما تزریق شود. ضمن اینکه بیش از ۳۰ درصد آثار راه یافته به بخش مسابقه هم آثار فیلم‌اولی‌هاست و رقابتشان هم بسیار جدی است که فضای جشنواره را جذاب‌تر می‌کند.



این‌ها از سختی‌های اصلی این مسیر است. وی درباره آینده این پروژه گفت: در آینده نه، از همین هفته و همین امروز می‌توانیم در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشیم. حتی سفارش‌هایی از هالیوود به بچه‌های ایران و مشهد داده می‌شود تا کارهای را بسازند که خودشان توان انجامش را ندارند. هالیوود هم نمی‌تواند کاری را که ما انجام داده‌ایم، انجام دهد؛ چه برسد به تهران و پایتخت کشور خودمان. یکی از دفاتر تولید ما در تهران است، اما این به آن معنا نیست که لزوماً موفقیت در آنجا رقم می‌خورد. ما در جهان اول هستیم و بهترینیم؛ این ادعا نیست، واقعیت است.

■ سینمای جهان باید خود را با فناوری وفق دهد

کارگردان فیلم مولا درباره حضور در جشنواره فجر اظهار کرد: ما به‌دلیل نداشتن رقیب، در بخش خارج از مسابقه قرار گرفتیم. خود آقای شاهسورای هم اعلام کردند اثر ما با هیچ فیلمی قابل رقابت نبود تا در بخش مسابقه قرار بگیرد. انیمیشن نگهبان خورشید هم به همین دلیل خارج از مسابقه نمایش داده شد. در بخش موسیقی، صدا و آهنگ‌سازی نیز پیشنهادهایی مطرح شد و انیمیشن هم نگاه مشابهی داشت. ما نظر دبیر جشنواره این بود که در این بخش‌ها هم نامزد نشویم. ما به‌نظر ایشان احترام گذاشتیم، اما امیدواریم اتفاق‌های خوبی در ادامه رخ دهد. لاجوردی در پایان گفت: مسئله فقط سینمای ایران نیست؛ سینمای جهان باید ببیند آیا آمادگی پذیرش این اتفاق را دارد یا نه. این اتفاق افتاده و سینما باید خودش را با آن وفق دهد و گارد نداشته باشد. برخی از کسانی که فیلم را دیدند گفتند ما بی‌کار می‌شویم؛ این واقعیتی است که رخ داده، اما باید به‌جای تهدید، هوش مصنوعی را یک فرصت دید. مثلاً می‌توان در جلوه‌های ویژه یا برخی پلان‌ها از آن استفاده کرد؛ مثل زمانی که یک بازیگر در ایران است، اما با هوش مصنوعی او را در کشوری دیگر به تصویر می‌کشیم.